

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۱۲ (پیاپی ۹) زمستان ۸۱

ترجمه ای قدیم از قرآن کریم* (علمی-پژوهشی)

دکتر محمود مدبری

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده:

این مقاله، معرفی ترجمه کهنی است از قرآن کریم، بازمانده از قرن پنجم یا ششم هجری، از روی نسخه منحصر به فرد مربوط به حدود قرن هشتم هجری. در آغاز، مختصری درباره نسخه خطی قرآن نگاشته شده و به بعضی ویژگیهای ظاهری نسخه، از رسم الخط، تزئین، علائم، تقسیمات، حواشی، ضایعات و افتادگیهای آن اشاره رفته است.

در بخش اصلی مقاله، به ترجمه این قرآن و ویژگیهای آن پرداخته شده است از جمله: مترجم قرآن، رسم الخط فارسی، بحث تطابق یا عدم تطابق با ترجمه تفسیر طبری، ویژگیهای ترجمه، بعضی ویژگیهای دستوری و ویژگیهای لغوی.

واژگان کلیدی:

قرآن، ترجمه، کهن، نسخه خطی، قرن پنجم یا ششم

۱- مقدمه :

در شهر ماهان کرمان و در موزه کوچک آستانه شاه نعمت الله ولی ، قرآن خطی کهنی نگهداری می شود که کتابت آن مربوط است به حدود قرن هشتم هجری . غیر از زیبایی خط و نفاست نسخه ، امتیاز این نسخه در ترجمه فارسی بسیار کهنی است که بصورت تحت اللفظی، در زیر هرواژه قرآنی نوشته شده است . بنا به قراین و شواهد، ترجمه کتاب به سده های پنجم یا ششم هجری برمی گردد، از مترجمی ناشناس که از حیث شیوه دقیق ترجمه ، عبارات و جملات درست و واژگان قدیمی و گاه کمیاب فارسی دری ، از گنجینه های بازمانده زبان و ادب محسوب می شود و جای آن دارد که معرفی و شناخته گردد. لذا ابتدا به شناخت مختصر این نسخه خطی و سپس بررسی ترجمه فارسی آن پرداخته می شود.

۲- مختصری درباره نسخه قرآن خطی:

این کتاب ، در یک مجلد است به قطع رحلی کوچک، در ابعاد ۲۵×۳۶/۵ با جلد چرمی اخراپی رنگ و به خط نسخ خوش با قلم جلی و در هر صفحه هفت سطر ؛ دارای ترجمه فارسی به خط نسخ با قلم ریز و اریب در زیر هر واژه قرآن .

این نسخه، کمتر از نیمی از قرآن کریم را شامل می شود. از میانه سوره بقره تا اواسط سوره کهف و یقیناً جلد دومی هم داشته که مفقود است . نوع کاغذ آن ضخیم و کهنه و حنایی رنگ است و چنین می نماید که کتابت آن از قرن هشتم هجری پایینتر نمی آید و به سبب آنکه «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است» نام کاتب نسخه دانسته نیست . تعداد برگهای کتاب که در سال ۱۳۲۶ ش . توسط مرحوم حبیب یغمایی شمارش شده ،

۳۱۲ برگ است؛ ضمن آنکه یادداشتی به خط آن مرحوم در صفحه اول اصلی، دیده می شود.

سر سوره های قرآن با کتیبه مستطیلی مذهب، تزیین شده و نام سوره و تعداد آیات به زبان عربی در آن ذکر گردیده است؛ مثلاً «سورة النساء مائة و سبعون و خمس آیات». در پایان هر آیه قرآن، گل هشت پر طلایی با خالهای سرخ قرار دارد و در حاشیه کتاب، خاتمه عشرات (هرده آیه) و نیز هر جزو قرآنی با علائم رنگین خاصی، مشخص شده است.

یکی از خصوصیات مهم این قرآن، حواشی سودمندی است که در حاشیه طرف چپ یا راست بعضی از صفحات دیده می شود. این عبارات باشنگرف کتابت شده و بتامی، مربوط به طرح اختلاف قراءات نزد قراء سبعة است که متأسفانه در ترمیم صفحات کتاب و ریختگی و پوسیدگی، آسیبهای جدی خورده است.

تعداد آیات هر سوره که در سر سوره ها آمده است؛ معمولاً با قرآنهاى متداول کنونی اختلاف دارد که پس از تطبیق یکایک سوره ها با گفته های شیخ طبرسی در مجمع البیان، معلوم شد که شماره آیات، بیشتر با قرآن بصری مطابقت دارد نظیر: سورة المائدة مائة و عشرون و ثلث که بنا به نوشته مجمع البیان، دهی مائة و عشرون آیه کوفی، ثلاث و عشرون آیه بصری، و اثنتان و عشرون فی الباقین، (طبرسی: ۱۹۹۵، ج ۳ ص ۲۵۷)

بدین لحاظ، اختلاف مزبور، موجب شده است که گاه یک آیه از قرآنهاى امروزی در قرآن کهن دو آیه و یا بالعکس باشد.

۱-۲- از ویژگیهای صوری این نسخه، آسیبهایی است که در طول زمان بدان وارد شده است، نوع این صدمات عبارت است از:

۱ - ۱-۲- نم دارشدن اغلب صفحات در مجاورت هوای مرطوب و پخش شدن مرکب بعضی از سطرها و صفحات و محو و ناخوانا شدن برخی از سطرهای ترجمه .

۲ - ۱-۲- کهنگی اوراق و پوسیدگی ، پارگی و ریختگی آن و ترمیم ، اصلاح و شیرازه بندی جدید صفحات کتاب که لامحاله به تعدادی از برگها و صفحات ، لطمه اساسی وارد ساخته است ؛ بخصوص چهل پنجاه صفحه آغاز و پایان کتاب .

۳-۱-۲- نونویس شدن برخی از صفحات که بدون ترجمه آمده است مثلاً "در آغاز و پایان قرآن و نیز میان اوراق اصلی ۸۰ و ۸۱ برگهای ۲۹ و ۳۰ و غیره .

۴-۱-۲- دومورد چابه جایی اوراق کتاب یعنی صفحات a ۲۰ و b ۲۱ و دیگر a ۲۹۲ و b ۲۹۲ که البته باید تغییر یابد .

۵-۱-۲- مهمترین آسیب نسخه ، سقطات و افتادگیهای متعددی است که دیگر قابل جبران نیست ؛ بگونه ای که نسخه مزبور از اواسط آیه ۱۰۹ بقره آغاز و در آیه ۵۶ سوره کهف ، خاتمه می یابد . افتادگیهایی که در خلال سوره های مختلف وجود دارد ؛ به شرح زیر است : سوره بقره از آیه ۱۹۹ تا پایان سوره ، سوره آل عمران از آغاز تا اواخر آیه ۱۹۰ ، سوره ابراهیم هفت آیه پایانی ، سوره حجر از آغاز تا ابتدای آیه دوم ، سوره نحل از اواسط آیه ۸۱ تا اواسط آیه ۹۲ و نیز از میانه آیه ۱۲۵ تا پایان سوره ، سوره اسراء از ابتدا تا میانه آیه دوم ، و نیز از آیه ۸ تا میانه آیه ۱۵ ، سوره کهف از آیه ۵۶ تا پایان سوره .

۳- ترجمه قرآن و ویژگیهای آن:

ارزنده ترین ویژگی قرآن محفوظ در ماهان ، ترجمه کهن آیات است که بصورت لفظ به لفظ و بسیار دقیق ، با خطی ریزتر از متن قرآنی به تفکیک و اریبته در زیر هر واژه قرآنی نوشته شده است . بدبختانه ، بنا به دلایلی که پیشتر اشارت رفت ؛ به سطور

ترجمه که در هر صفحه، هفت سطر را شامل می شود؛ آسیب رسیده؛ مخصوصاً در صفحات اولیه و پایانی قرآن و نیز سطر یا سطرهای آخرین، در اغلب صفحات که در ترمیم یا بر اثر پوسیدگی و محو شدن تدریجی خطوط از میان رفته است. با این حال، ترجمه مزبور، کمتر از نیمی از قرآن را شامل می شود که خود از لحاظ گنجینه واژگان کهن، ویژگیهای آوایی زبانی، دستور تاریخی و رسم الخط کهنه، حائز اهمیت بسزایی است.

۱-۳- مترجم قرآن:

سرنوشت این کتاب، همچون بسیاری دیگر از قرآنهاى مترجم و تفاسیر کهن که در فاصله سده های چهارم تا هشتم هجری نوشته شده اند و امروزه بطور ناقص و آسیب خورده در گوشه و کنار ایران و بلکه جهان حفظ می شوند؛ این بوده که از مترجمان آنها، هیچگونه نام و نشانی برجای نمانده است؛ اما آثارشان با همه کاستیها، ذخایر گرانبهای زبان، ادب و فرهنگ ایران محسوب می گردند.

از مترجم این کتاب نیز، اطلاعی در دست نیست؛ چون بطور معمول باید نام وی در سرآغاز کتاب و یا در خاتمه نوشته می شده است و متأسفانه، آغاز و انجام این قرآن از میان رفته و او نیز در ردیف گمشدگان علم و ادب این سرزمین قرار گرفته است؛ اما چنانکه پس از این خواهد آمد؛ محدوده زمانی او به قرون پنجم یا ششم هجری بساز می گردد.

۲-۳- رسم الخط فارسی:

رسم الخط ترجمه، بسیار شبیه به نمونه هایی از این دست قرآنهاى مترجم در سده های نخستین ادب دری است و جنبه های اختصاصی جدای از آنها ندارد. موارد شایع و برجسته رسم الخط آن، به شرح زیر است:

- در همه موارد، همخوان «ج» به صورت «ح»، «ژ» به «ز»، «گ» به «ک»، «پ» به «ب» نوشته شده است.
- «به» حرف اضافه، اغلب متصل و گاه منفصل از اسم و فعل است.
- دال، در پایان کلمات ماقبل واکه، همه جا بصورت ذال نوشته شده است.
- «که» موصول و ربط، به سه صورت «کی»، «ک» و «که» متصل و منفصل آمده است و یکدست نیست.
- کلمه «ترسا» در جمع به صورت ترسان و ترسایان آمده است.
- کلمه «گوا»، «دانا» و نظایر آن، در جمع بصورت گواان و دانان (← تفسیری بر عرشری از قرآن ۱۳۵۲، ص بیست و پنجم)
- «ی» پایانی کلمات، گاه به شکل «ی» با دو نقطه بر روی آن مشخص شده است. (← تفسیر مفردات قرآن ۱۳۵۹، ص شانزده)
- دال ضمیر در صیغه دوم شخص جمع از فعل امر، در موارد اندکی به «ت» بدل شده است، مثل فرگیریت ۴/۷۷، بویت ۴/۱۰۰ و مه میریت ۲/۳۲ (← خانلری ۱۳۶۹، ج ۲ ص ۷۴)
- «آ» در آغاز کلمات، اغلب بدون علامت مذ است و بصورت الف، نظیر: اسمان، انانکه، آمد و ...
- گاه به جای «نه» نفی، «مه» آمده است.
- «نه» و «مه» نفی فعل را، گاهی منفصل آورده است
- در اغلب موارد «آنچ» دیده می شود.
- آنک، آنکی، آنکه به هر سه صورت دیده می شود.

- یک مورد «ته» به جای «تو» آمده است در ترجمه «فلا تکونن»: ته مباحش ۱۱۴ / ۴ (ر.ک: بخشی از تفسیری کهن به پارسی ۱۳۷۵، ص نه)
- سطر به جای ستر
- الف اشباع در پایان کلمات مختوم به واکنال نظیر: پهلو، تواء، نیرو، نیکوا که البته معدود است و در همه موارد اینگونه نیست. (ر.ک: تفسیر قرآن مجید، کمبریج ۱۳۴۹ ص صد و سیزده) (ر.ک: ترجمه قرآن موزه پارس، فهرست لغات)
- اجزای کلمات مرکب، بیشتر جدا نوشته شده است مثل: فرمان بردار، سپاس دار، هم چنان، ستم کار، گمان مند
- کاتب، هیچیک از واژه های فارسی را، اعراب گذاری نکرده و مشکول نیاورده است.
- رسم الخط کلمات اسحق، ابراهیم، اسمعیل، زکوة، ربوا، توریت، اسرائیل و نظایر آن، به شیوه رسم الخط عربی است. (ر.ک: ترجمه قرآن ری، ۱۳۶۴، ص سیزده)
- حاصل مصدر کلمات مختوم به واکن بلند اولاً با یک «ی» می آید نظیر: جدای، تنهای، نیکوی و....
- کلمه «قرآن» در اغلب موارد بدون علامت مدّ به شکل «قران» نوشته شده است.
- یای نکره بعد از کلمات مختوم به های غیر ملفوظ، جدا از کلمه و به تنهایی نوشته شده است همچون: اندرز کننده ی، بزه ی
- کلمه «است»، گاه متصل و گاه منفصل است.

- کلمات مختوم به واکه بلندة، درحالت مضاف به سه صورت می آید: گاه بدون علامت اضافه و آزاد، گاه با همزة پس از آن نظیر: روزها، دیگر و گاه بسا ای: مثل: روزهای شمرده.
- ضمائر «ام، اید، ایم، اند»، معمولاً جدا از کلمه قبل نوشته شده اند و بعضاً منفصل می آیند.
- کلمات مختوم به های غیر ملفوظ، چون خانه، جامه، میوه و غیره، هنگام جمع با پسوند «ها» به شکل: خانها، جامها، میوها و غیره می آید. (ر.ک: لسان التزیل ۱۳۵۵، ص ۲۴)
- ضمائر «شان، تان» به دو صورت متصل و منفصل دیده می شود.

۳-۳- تطابق یا عدم تطابق با ترجمه تفسیر طبری:

مرحوم حبیب یغمایی، در سال ۱۳۲۶ هنگامی که این قرآن را مطالعه می کرده و صفحات آن را شماره گذاری می کرده است؛ در حاشیه صفحه اول نوشته است: «به نظر بنده، نسخه ای است از تفسیر طبری غیر از آن که در کتابخانه سلطنتی است.»

ترجمه تفسیر طبری، از نخستین ترجمه ها و بلکه نخستین ترجمه رسمی قرآن به زبان فارسی است که در دهه پنجاه سده چهارم هجری، به فرمان امیر منصور بن نوح سامانی و توسط علمای ماوراءالنهر، از عربی به فارسی درآمد (ترجمه تفسیر طبری، ج ۱ ص ۵) و از آن پس نهضت ترجمه و تفسیر قرآن، به گوشه های مختلف فارسی از شهرهای ماوراءالنهر، خراسان، سیستان، ری و غیره آغاز گردید و بگونه ای که تا عصر مغول، بطور پیوسته و مدام، صدها ترجمه و تفسیر نوشته شد. امروزه بخشی اندک از این میراث ارزنده و کهن از کتابخانه های مختلف ایران و جهان بیرون آمده و به زیور طبع آراسته شده، نظیر: تفسیر قرآن پاک، تفسیر شنقشی، تفسیر کمبریج، ترجمه قرآن

موزه پارس ، تفسیر سوره آبادی ، تفسیر نسفی ، ترجمه قرآن ری ، ترجمه قرآن قدس ، ترجمه آهنگین قرآن ، تاج التراجم ، تفسیر ابوالفتح رازی ، ترجمه تفسیر طبری در سال ۱۳۴۲ به همت و تصحیح حبیب یغمایی ، در ردیف انتشارات دانشگاه تهران و در هفت جلد به چاپ رسید .

از این ترجمه ، نسخه های خطی متعددی در دنیا موجود است و به سبب استقبال ایرانیان ، همواره از روی آن نسخه ، تهیه شده و مورد مطالعه و اقتباس قرار گرفته است . مصحح ارجمند این کتاب ، در مقدمه مجلدات مختلف آن ، بارها تأکید کرده است که کتاب چاپی مزبور ، همان نسخه کتابخانه سلطنتی است و سایر نسخه ها را نه بطور کامل ، ولی در مواردی خاص درپانویشت صفحات بعنوان نسخه بدل آورده است (ر.ک: ترجمه تفسیر طبری ج ۱ صص ۵، ۱۲، ۱۳ ، ج ۲ ص ۷). و نیز متذکر شده است که هر یک از نسخه های ترجمه تفسیر طبری ، باید بطور جداگانه و با نهایت احتیاط به چاپ برسد .

بنابراین ، برفرض محال که نسخه قرآن کهن ماهان ، همان ترجمه تفسیر طبری باشد ؛ بنا به گفته حبیب یغمایی ، ارزش پژوهش جداگانه و انتشار دارد ، بخصوص که کتاب چاپ شده وی ، تنها نسخه کتابخانه سلطنتی را به دست داده است و سایر نسخه ها که موارد اختلافشان ، زیاد هم هست ، همچنان در کنج کتابخانه ها و بوتۀ فراموشی است .
آقای دکتر علی رواقی نیز درباره ترجمه تفسیر طبری می نویسد:

از منتهای درجه اول دوره نخستین زبان فارسی است که همیشه به آن توجه می شده است . نسخه های متعدد این متن ، از این اقبال حکایت دارد . (قرآن قدس ، سی و سه)
در بررسی ترجمه قرآن ماهان و مقایسه آن با آیات قرآن از ترجمه تفسیر طبری ، برای نگارنده مسلم شد که این کتاب ، در قرن پنجم یا ششم ، توسط یک عالم و مترجم توانا

نوشته شده و وی با استفاده از چندین ترجمه مشهور پیش از خود، بخصوص نسخه ای از ترجمه تفسیر طبری، به کار ترجمه پرداخته است. لذا موارد مشابه با آن کتاب بسیار است؛ ضمن آنکه اختلافات متعددی نیز دارد. از میان نسخه های ترجمه تفسیر طبری، نسخه کتابخانه ایاصوفیا که درحاشیه کتاب چاپی با علامت «ص» ذکر شده، بیشتر از متن چاپی با این قرآن شباهت دارد.

عدم یکدستی در سبک زبانی ترجمه و نگارش قرآن ماهان قابل مشاهده است. مثلا «حرف اضافه و پیشوندی «اندر» و «در» هر دو را دارد؛ حال آنکه «اندر» درنثر دوره سامانی غالب است و «در» درنثر دوره غزنوی (بهار ۱۳۷۶، ج ۱ ص ۴۳۴). از طرفی، واژه ها و ترکیبات متداول ترجمه ها و تفاسیر ماوراءالنهری و خراسانی مثل ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی در این کتاب دیده می شود و از طرف دیگر، کلمات و ویژگیهای زبان اهل ری قرن ششم هجری، مانند پیشوند «ها» در فعل پیشوندی «ها گرفتن» که در تفسیر ابوالفتح رازی (حقوقی ۱۳۴۶ ج ۱ ص ۱۳۱) و ترجمه شهاب الاخبار به کار رفته است؛ هر چند که به قول مقدسی در زبان قومس و جرجان هم دیده می شود. (خانلری ۱۳۶۹، ج ۲ ص ۲۱۹). علاوه بر آن، واژه ابدالی «هنار» است که تنها در ترجمه قرآن ری یافت می شود (ترجمه قرآن ری ض ۱۲۸ و ۱۳۳). مخصوصا «کلمه «انزله» و ترکیبات فعلی آن که فقط در تفسیر ابوالفتح رازی دیده شده است» (ر.ک: حقوقی ۱۳۴۶، ج ۱ ص ۹۰ و ۸۹).

این شواهد حاکی از آن است که مترجم قرآن ماهان، با دردست داشتن نسخه ای از ترجمه تفسیر طبری شبیه به نسخه ایاصوفیه و نیز ترجمه های دیگری از لهجه رازی، بدین کار اقدام کرده و ترجمه خود را به وجود آورده است.

در حال، ترجمه مزبور، نمی تواند ترجمه تفسیر طبری باشد، بلکه ترجمه ای التقاطی از گونه ها و گویشهای مختلف زبانی است؛ ضمن آنکه از ترجمه تفسیر طبری، ترجمه جداگانه قرآن بدون تفسیر فارسی نسخه ای موجود نیست.

۴-۳- ویژگیهای ترجمه:

ترجمه آیات، تحت اللفظی و معمولاً دقیق است و برای هرواژه قرآنی، اغلب یک یا دو کلمه فارسی، معادل سازی شده است و این نشان می دهد که مترجمان قرآن، در ترجمه دقت و امانت بسیار داشته اند؛ اما در ترجمه این کتاب، مسائلی قابل ذکر است که ذیلاً بدان پرداخته می شود:

۱- ۴-۳- گاه ترجمه کلمات به تناسب مفهوم جمله و ارتباط واژگان، پس و پیش است و به تنهایی نمی تواند معادل واژه قرآنی باشد. مثلاً "مصدر بصورت فعل، جابجایی صیغه های فعلی، صفت به گونه فعل، فعل مضارع به جای ماضی و نظایر آن که در اینجانب نمونه هایی نقل می گردد:

ما ظَلَمْنَا: ستم نکردیم ۱۶۰ / ۷ (ستم نکردند ما را)

لَكُنَّا: نبودیمشان ۶/۱۵۷ (نبودیم)

نُصَلِّي: اندر آرد ۴/۳۰ (اندر آریم)

احسان: نیکوی کنید ۴/۳۶ (نیکوی)

يَقْعُلُونَ: کنید ۱۰/۴۶ (کنند) موارد این چنین، متعدد است.

صَبْر: شکیبایی باید کرد ۱۲/۱۸ (شکیبایی)

المُسْتَعَانَ: نیرو باید خواست ۱۲/۱۸ (نیرو خواسته)

قالوا: بگویند ۵/۱۰۹ (گفتند) مضارع به جای ماضی در این متن فراوان است.

اشْتَمَلَتْ: پیچی ۶/۱۴۳ (پیچد)

الحُسْنَى : بهشت دهم ۱۰/۲۶ (بهشت)

تُحْشَرُونَ : بازگشت خلقان ۸/۲۴ (بازخواهید گشت)

مَكْرٌ : سازش بد کنند ۱۰/۲۱ (سازش بد)

مُهْلِكٌ : هلاک کند ۷/۱۶۴ (هلاک کننده)

يَقْضُونَ : قصه کنیم ۷/۳۵ (قصه کنند)

طَاعِمٌ : خوردن ۶/۱۴۵ (خورنده)

جَلَلٌ : آفریدگار ۶/۹۶ (آفرید)

الْأَنْصَابُ : بت پرستیدن ۵/۹۰ (بتها)

يَكْسِبُ : کردن ۴/۱۱۱ (کند)

أَنْزَلَ : بفرستادیم ۴/۱۶۶ (بفرستاد)

لَا تُخْذَوْنَ : نگرفتندی ترا ۱۷/۷۳ (بگرفتندی ترا)

حَشْبَانَةٌ : ترسند ۴/۷۷ (ترس)

واضح است که تعدادی از نمونه های ذکر شده ، ترجمه هایی کاملاً نادرست است و اشتباه مترجم و شاید سهو ناسخ که جای جای در سراسر کتاب مشاهده می گردد، نظیر آیات ۱۰۶ تا ۱۱۰ از سوره مائده که از این گونه موارد در آن زیاد است.

۲-۴-۳- در این ترجمه ، گهگاه ، اول شخص مفرد در ترجمه متکلم مع الغير و بالعکس ، اول شخص جمع برای متکلم وحده به کار رفته است . مانند :

نُقِصُ : همی خوانم ۱۱/۱۲۰ (همی خوانیم)

نُبَكِّتُ : استوار گردانم ۱۱/۱۲۰ (استوار گردانیم)

نَسْتَحْيِي : رسوا کنم ۷/۱۲۷ (رسوا کنیم)

أَنْزَلْنَا : بفرستادم ۶/۹۲ (بفرستادیم)

أَخَذْنَا: بگرفتم ۶/۴۲ (بگرفتیم)
سَأَرِيكُمْ: باز نمایم تان ۷/۱۴۵ (باز نمایم تان)
مَسَأَلْتُ: نخواهیم ۱۰/۷۲ (نخواهم) (ر.ک: ترجمه قرآن ری ۱۳۶۴، ص ۱۷)
۳-۴-۳ صیغه دوم شخص مفرد به جای دوم شخص جمع در ترجمه جمع
مذکر مخاطب مانند:

تَدْعُونَ: خوانی ۶/۴۱ (خوانید)
ضَرَبْتُمْ: رفتی ۵/۱۰۶ (رفتید)
طَعَمُوا: خوری ۵/۹۳ (خورید)
تَطْعَمُونَ: طعام دهی ۵/۸۹ (طعام دهید)
لَمْ تَجِدُوا: نیابی ۵/۶ (نیاید)
تَلَّوْا: بخوانی ۴/۱۳۵ (بخوانید)
تُعْرِضُوا: روی بگردانی ۴/۱۳۵ (روی بگردانید)
تَرْضَوْا: خوشنود شوی ۹/۹۶ (خوشنود شوید)
تَمْلِكُونَ: پادشاه گردی ۱۷/۱۰۰ (پادشاه گردید)
تَوَاعَدْتُمْ: وعده کردی ۸/۴۲ (وعده کردید)
تُحَاجُّونِي: پیکار همی کنی بامن ۶/۸۰ (پیکار همی کنید بامن)
أَشْرَكْتُمْ: شرک گرفتی ۶/۸۱ (شرک گرفتید)

این گونه کاربرد در متون مشابه ترجمه و تفسیر کهن از قرن چهارم تا هفتم،
سابقه دارد و از ویژگیهای سبکی و زبانی است. (ر.ک: ترجمه قرآن ری ۱۳۶۴، ص
شانزده)

۴-۳-۴- صیغه دوم شخص جمع به جای دوم شخص مفرد در ترجمه مفرد مذکر مخاطب که برعکس قبلی است ، کمتر در این کتاب آمده است :

تَذَرُ: بگذارید ۷/ ۱۲۷ (بگذاری)

۵-۴-۳- گاه برای روشنتر شدن ترجمه ، عبارات و کلماتی تفسیر گونه و اضافه بر معادلات لغوی می آورد:

وما أوتِيَ موسى و عيسى و ۲/۳۶ و آنچه ... موسی را ز تورات است و عیسی را از انجیل است .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ ۲/ ۱۳۷ اگر بگردند جهودان و ترسایان ، همچنانکه شما یا امت محمد .

قَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۹/ ۳۰ گفتند جهودان، عزیز پسر خدا است . لعنت باد برایشان - و گفتند ترسانان، عیسی پسر خدا است - لعنت برایشان باد .

مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ۱۳/۴۳ آن کس که نزد وی است دانش تورات یعنی عبدالله بن سلام .

سَيَلًا ۴/۹ راهی یعنی حجتی .

أَرْضُ ۴/۹۷ زمین یعنی مکه .

جِبْتٌ و طَاغُوتٌ ۴/۵۱ به ترتیب حی بن الاخطف و کعب الاشراف آورده همچنانکه در آیه ۶۰ همین سوره .

۶-۴-۳- ادات استفهام اهل را معمولاً ترجمه نمی کند و در مواردی معادلهای اچه ، چی ، هیچ و هرگز به کار می برد .

همچنین ادات استفهام «آ» را معمولاً بدون ترجمه می آورد و مواقعی معادل‌های

«آیا، ای، یا» را به کار می برد.

۷-۴-۳- غالباً «ف» برسر فعل و اسم را معنی نمی کند.

۸-۴-۳- معادل فارسی «لکن» بیشتر واژه «نک» است. (ر.ک: ترجمه قرآن

موزه پارس: فهرست لغات)

۵-۳- بعضی ویژگیهای دستوری

ویژگیهای دستوری ترجمه فارسی نیز، بسیار مشابه با دیگر ترجمه ها و تفاسیر

فارسی است و نظایر آن را می توان در آن کتابها نیز جستجو کرد از جمله: مقدمه دکتر

جلال متینی بر تفسیر کمبریج و تفسیری بر عشری از قرآن و مقدمه دکتر علی رواقی

بر قرآن قدس که به این اختصاصات اشارت کرده اند. در اینجا مواردی نمونه

وارمی آید والبته پژوهشی بیشتر را در فرصتی دیگر می طلبد:

۱-۵-۳- الف تعظیم و تفضیم:

سُبْحَانَہ و تَعَالَى ۶/۱۰۰ پاک‌خدا یا او

فَتَعَالَى اللّٰهُ ۷/۱۹۰ بزرگ‌خدا یا

سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ ۱۰/۱۰ پاک‌بانی عیبا تو یا رب

۲-۵-۳- الف افزوده به آخر فعل نهی و نفی:

لَا یَغْرُبُکَ ۷/۱۹۶ مفریبد، ترا.

فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ ۱۷/۳۳ اندر میگذرد! از حد اندر کشتن.

وَلَا یَلْتَفِتُ مِنْکُمْ أَحَدٌ ۱۱/۸۱ و زپس منگردا از شما کسی (ر.ک: تفسیری بر

عشری از قرآن ۱۳۵۲، ص پنجاه و سه) و (ر.ک: نسفی ۱۳۵۴، ص بیست و هشت)

۳-۵-۳- الف افزوده به آخر فعل در ترجمه لام تأکید برسر فعل مضارع:

فَلْيَسْتَوْا ۴/۹ بترسندا.

وَلْيَقُولُوا ۴/۹ بگویندا.

فَلْيَأْكُلْ ۴/۶ مخوردا.

وَلْيُؤْمِنُوا ۲/۱۸۶ و بگروندابه من.

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ ۱۸/۲۹ هر کی بخواهد بگرودا.

۴-۵-۳- الف افزوده در آخر فعل شرط ، یک مورد: ﴿فَلْيُؤْمِنُوا﴾

وَلَوْ شِئْنَا ۷/۱۷۶ و گر خداستمیا.

۵-۵-۳- الف افزوده پس از فعل امر: ﴿وَلَوْ شِئْنَا﴾

فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۹/۷ آنکی راست باشند شما را راست باشید ایشان را.

وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ ۴/۴۶ بشنو کی مشنویا (← تفسیری بر عشری از قرآن ۱۳۵۲)

ص، پنجاه و چهار)

۶-۵-۳- الف در آخر فعل ربطی «هست» برای تأکید:

قال هذا ربِّي ۷۸-۷۷-۶/۷۶ گفت این خدای من هستا

۷-۵-۳- یای شرط و یای جزای شرط:

چی چیز بودی برایشان اگر بگرویدندی به خدای و روز قیامت و هزینه

کردندی. ۴/۳۹

اگر ایشان چون ستم کردند برتنهای خویش ، بیامدندی به تو آمرزش

خواستندی از خدای و آمرزش خواستی مرایشان را پیغامبر ، بیافتندی خدای را توبه

پذیرنده بخشاینده. ۴/۶۴

۸-۵-۳- یای تمنی و ترجی:

فَلْيَسْتَوْا ۴/۹ بترسندا.

گویند یا کاشکی ما رابازا گردانند و دروغ نگفتمی به حجتهای خدای ما و بودیمی از گرویدگان. ۵/۲۷

کاشکی بودی با ایشان تانیکبخت گشتمی. ۴/۷۳

۹-۵-۳- یای استمرار فعل: *... ...*

بودند کی باز نگردیدندی از زشتی کی کردندش. ۵/۷۹

نه چنان است خداوند تو که هلاک کندی دیه ها به ستم و گروه آن

خوبکاران باشندی. ۱۱/۱۱۷

۱۰-۵-۳- همی «برسرفعل استمراری»:

این ویژگی، مختص همه نثرهای سده های پیشین است و بوفور در این متن

یافت می شود.

خدای ییناست به آنچه همی کنند. ۵/۱۷

ماهمی پدید کنیم برتونیکوترین پیدا کردنی / ۱۲/۳

۱۱-۵-۳- آوردن فعل مجهول مفرد، بصورت معلوم جمع:

يُقْتَلُ : بکشند؛ يُكْفَرُ : کافر شوند؛ يُوصَى : اندرز کردند (ر.ک: نسفی ۱۳۵۴. ص بیست

و شش)

۱۲-۵-۳- نوعی از فعل شرط که بیشتر مربوط به شهرهای غربی ایران است:

قال أولوئکنا کارهین گفت اگر بودیمان ناخواهندگان.

۱۳-۵-۳- آوردن بای تأکید برسرفعل نفی:

بنه گرداند ۸/۵۳

۱۴-۵-۳- گاهی کلمات جمع عربی را با های فارسی جمع می بندد:

بر کانه‌ها ۷/۹۶، انصاران ۹/۱۰۰ (ر.ک: تفسیر قرآن مجید، کمبریج ۱۳۴۹، ص

سی و پنج)

۱۵-۳-۵- رای اضافه برای فاعل:

مَنْ أَضَلَّ اللهُ ۴/۸۸ مرآن را که گم گردانید خلدای را (ر.ک: تفسیری بر عشری

از قرآن ۱۳۵۲، ص چهل و یک) و (ر.ک: تفسیر قرآن مجید، کمبریج ۱۳۴۹، ص

هشتادوشش)

۱۶-۳-۵- هر دو حرف «اندره» و «در» برای متمم فعل یا پیشوند فعل در این متن

آمده است.

۱۷-۳-۵- نه «نه» نفی فعل جدا از فعل:

برنه افتیم ۱۱/۹۱، شما همی برنه افتید ۱۷/۴۴

۳-۶ ویژگیهای لغوی:

مهمترین خصوصیت کتبی از این دست، وجود دهها لغت و ترکیب کهن فارسی است که در ادوار پیش از مغول و بیشتر در نواحی شرقی ایران رایج بوده و اکثر آنها در گذر زمان و بنا به دلایل گوناگون، از رواج در زبان رسمی افتاده است و یا با تغییر شکل یا دگرگونی معنایی تا امروز باقی مانده است. غالب واژگان و ترکیبات این کتاب نیز، همانهایی است که در ترجمه‌ها و تفاسیر کهن قرآن و نیز کتب و رسائل عرفانی، آثار علمی، دیوانها و منظومه‌های فارسی این قرون یافت می‌شود و این نیز، خود اصلی‌ترین دلیل است که نشان می‌دهد ترجمه قرآن ماهان، سوای سبک نگارش و نوع ترجمه، می‌بایست که در سده‌های پنجم یا ششم هجری نوشته شده باشد.

از جمله این ویژگیهای لغوی، مسأله وجود دگر کلمه هاست. دگر کلمه، صورت یا صورتهای دیگری از واژه است که بر اثر قواعد زبان‌شناسی نظیر قلب، ابدال، حذف و

نظایر آن حاصل می شود. این ویژگی، در دوره رشد و تکوین زبان فارسی، یعنی فاصله قرون سوم تا هفتم هجری در متون نظم و نثر دیده می شود (خانلری ۱۳۶۹، ج ۱ صص ۳۶۹ - ۳۵۹) و می توان تأثیر لهجه های محلی در حوزه های مختلف جغرافیایی، بخصوص نواحی شرقی ایران را در این نوع واژگان بخوبی مشاهده کرد. در این کتاب، ویژگیهای لهجه ای در حد متوسط و بطور طبیعی است مانند آنچه در بعضی ترجمه ها و تفاسیر قرآن در سده های پنجم و ششم می توان یافت و یا در اشعار رسمی آن قرون می شود دید. در اینجا فهرست وار به اینگونه کلمات که یا بصورت کهنتر واژه یا تغییر یافته آن است اشاره می شود:

آهختن، اخریان، اسپج، استاخ، اسگالش، اشکار، اشکاف، اشنیدن، افام، اندخشیدن، انگختن، اوفتادن، اوکندن، اومید، بزشن، بلگ، بوک، بون، پاداشت، پاداشن، تبش، تدر (تندور)، جمنده، چفسیدن، خول، دردگن، دست برنجن، دشخوار، دیگ، ستیهیدن، سختن، شنید، شوریدن، غریفج، فام، فرامشت، فرگرفتن، فریشته، کروانیان، گسی، لیش، مزکت، مژه، نبشتن، نشایست، نگوسار، نوژابه، واریگاه، وزخ، همارا، هنار، هنباز و هندرز.

در این میان، بعضی از واژه ها در متون دری کهن به فراوانی یافت می شود — مثل: آهختن، اوکندن، اوفتادن، پاداشت، سختن و فریشته.

بعضی از واژه ها، کمتر کاربرد داشته و نمونه های آن در متون نظم و نثر به اندازه دسته اول نیست مثل: اخریان، استاخ، اشنیدن، افام، اندخشیدن، بلگ، جمنده، دیگ، لیش و مژه.

دسته ای دیگر از واژه ها، بسیار نادر و کمیاب است چون: اندخشیدن، بون، خول، غریفج، نوژابه، هنار، همارا و هنگ.

وبالآخره معدودی که نمونه آنها را در کتب معمول نیافته ام و شاید منحصر بدین ترجمه باشد، همچون اسبج (شپس، قُمْل)؛ بزِشِن (بزه، بغضاء) اَرَسْمه (ارزنه، آرنج، مرافق)؛ جکنده (مَسْتُون)؛ تذرو (رَعْد، شاید تندور، تندر)؛ کروانیان (کاروانیان، العیر)؛ وریگاه (گریزگاه، مَحِیص)؛ وَرَّخ (وَرَق، وَرَّخ، ضفادع)؛ هَنْدَرَز (اندرز، مَوْعظه).

به هر حال، پرداختن به این واژه ها، مقالتی دیگر را می طلبد و در این مختصر نمی توان به بحث و شرح آنها پرداخت و ان شاء الله در جایی دیگر خواهد آمد.

۴- نتیجه گیری :

قرآن مترجم ماهان، که کتابت آن به حدود قرن هشتم هجری باز می گردد؛ از نفائس کتبی است که در موزه آستانه شاه نعمت الله ولی در شهر ماهان کرمان نگهداری می شود. این کتاب، ترجمه کمتر از نیمه قرآن را شامل می شود، از اواسط سوره بقره تا اواسط سوره کهف که به دلیل آسیبهای نسخه، نام کاتب و نویسنده و مترجم آن دانسته نیست و از شواهد امر، یعنی نوع ترجمه، سبک نگارش، کهنگی الفاظ، رسم الخط کهن و نیز واژه های کهن فارسی، به نظر می رسد که در قرن پنجم یا ششم هجری ترجمه شده باشد. نوع لغات کهنه، ویژگیهای دستور تاریخی و ویژگیهای آوایی، به این ترجمه ارزش خاص می بخشد و در ردیف گنجینه های دیگری از این نوع ترجمه های قدیم فارسی و تفاسیر ارزنده در فاصله قرنهای چهارم تا هشتم هجری قرار می گیرد.

منابع و مآخذ:

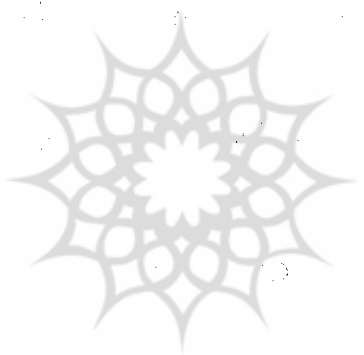
- ۱ - [۹]، بخشی از تفسیری کهن به پارسی، چاپ اول تحقیق و تصحیح دکتر سید مرتضی آیه‌الله زاده شیرازی. (۱۳۷۵). تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- ۲ - بهار، محمد تقی. ۱۳۷۶. سبک‌شناسی، چاپ نهم. تهران: بصیر.
- ۳ - [۹]، ترجمه تفسیر طبری، چاپ سوم. به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی. (۱۳۶۷). تهران: توس
- ۴ - [۹]، ترجمه قرآن (نسخه مورخ ۵۵۶) مشهور به قرآن ری. چاپ اول، به کوشش دکتر محمد جعفر یاحقی، (۱۳۶۴)، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- ۵ - [۹]، تفسیر قرآن مجید (کمبریج). چاپ اول. به تصحیح جلال متینی. (۱۳۴۹). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶ - [۹]، ترجمه قرآن موزه پارس. چاپ اول. به کوشش علی رواقی. (۱۳۵۵). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷ - [۹]، تفسیر مفردات قرآن. چاپ اول، به تصحیح عزیزالله جوینی. (۱۳۵۹). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۸ - [۹]، تفسیری بر عشوی از قرآن. چاپ اول. به تصحیح جلال متینی. (۱۳۵۲). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۹ - حقوقی، عسکر، (۱۳۴۶). تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰ - خانلری، پرویز. (۱۳۶۹). تاریخ زبان فارسی. چاپ چهارم. تهران: نشر نو.
- ۱۱ - طبرسی، امین‌الدین عل‌الفضل بن الحسن. (۱۹۹۵ م). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۲- قرآن قدس . چاپ اول . پژوهش علی رواقی . (۱۳۶۴) . تهران : مؤسسه فرهنگی شهید رواقی .

۱۳ - [؟] ، قرآن مترجم ماهان (چاپ نشده) نسخه خطی محفوظ در موزه آستان شاه نعمت الله ولی ، ماهان کرمان .

۱۴ - [؟] ، لسان التنزیل . چاپ اول . به تصحیح مهدی محقق . (۱۳۵۵) . تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

۱۵ - نسفی ، نجم الدین عمر . تفسیر نسفی . چاپ اول . به تصحیح عزیز الله جوینی . (۱۳۵۴) . تهران : بنیاد فرهنگ ایران .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی